

تعریف ، اقسام و استثنائات

جرم سیاسی*

غلامرضا پیوندی**

چکیده

جرم سیاسی از جمله موضوعاتی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه خاص قرار گرفته و برای مقابله با آن از یک رژیم ارفاقی برخوردار گردیده است؛ اما علی رغم تکلیف قانون اساسی به قانونگذار عادی برای تعیین حدود و ثغور، شرایط و موضوعات مرتبط با آن، تاکنون قانونی در این رابطه از تصویب قوه مقننه نگذشته است؛ هر چند در سالهای اخیر اقداماتی جهت انجام این مهم صورت گرفته است. لذا جهت بستر سازی برای تصویب قانونی جامع و کامل، در مقاله حاضر تعریف جرم سیاسی از دیدگاههای مختلف همراه با تعریف پیشنهادی، و همچنین اقسام آن مورد بحث و دقت نظر قرار گرفته و در پایان جرایمی که دارای ماهیت سیاسی هستند (مانند جرایم علیه امنیت خارجی) ولی از رژیم ارفاقی استثناء شده‌اند، مطرح گردیده است.

*- مقاله حاضر خلاصه رساله‌ای است که با راهنمایی آقای دکتر جعفر کرشما در دانشگاه مفید نگارش و دفاع شده است.

** - دانش آموخته دانشگاه مفید در کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی.

یکی از موضوعات قانون اساسی که تا کنون اقدامی از سوی قانونگذار عادی نسبت به آن صورت نگرفته، موضوع اصل یکصد و شصت و هشتم می‌باشد که بر اساس آن می‌بایست تعریف و شرایط جرم سیاسی و نحوه انتخاب و اختیارات هیأت منصفه طبق موازین اسلامی مشخص می‌شد، ولی در قوانین جاری کشور قانونی در خصوص جرم سیاسی دیده نمی‌شود. همچنین نمی‌توان با تمسک به قوانین مربوط به جرایم سیاسی، آنها را از جرایم عمومی تمییز داد.^۱ این مسأله، خاص سیستم حقوقی کشور ما نیست، بلکه در بسیاری از سیستم‌های حقوقی کشورها مشاهده می‌شود؛ البته در اکثر این کشورها به مفهوم جرم سیاسی اشاره شده و طرز برخورد با این مجرمین از مجرمین عادی متمایز گشته است، و اقداماتی نیز برای تحقق اهداف مذکور در قوانین اساسی و عادی برداشته شده است.

یکی از مشکلات، موضوع تعریف «جرم سیاسی» است. به بیان یکی از نویسندگان حقوقی اکثر قانونگذارهای جزایی به میدان تعریف جرم سیاسی وارد نشده و ترجیح می‌دهند نسبت به آن سکوت کنند. به نظر ایشان ریشه و اساس سختی تعریف جرم سیاسی آن است که وصف «سیاسی» یک تعبیر بسیار گسترده است که دارای معانی و توضیحات متفاوت می‌باشد. اگر بگوییم جرم سیاسی به جرایمی گفته می‌شود که کشف از خطر سیاسی می‌کند و یا برای مصلحت‌های اساسی نظام سیاسی کشور مضر است، به قول ایشان این تعریف، «تفسیر کردن اصطلاحی بوسیله همان اصطلاح مبهم می‌باشد»؛ چرا که مصالح سیاسی یا خطر سیاسی مفاهیمی هستند که خودشان نیاز به تعریف و توضیح دارند.^۲

شاید به خاطر همین مشکلات بوده است که بعضی از دانشمندان در خصوص این نوع جرایم تعبیر «جرم سیاسی» را بکار نبرده و برای آن اسم دیگری که دارای مشکلات

۱- لازم به ذکر است شاید بتوان از ماده واحده لایحه قانونی رفع آثار محکومیت‌های سیاسی مصوب ۱۳۵۸/۱/۸ تعریفی از جرم سیاسی در ذهن مجسم کرد: «محکومیت کلیه کسانی که به عنوان اتهام به اقدام علیه امنیت کشور و اهانت به مقام سلطنت و ضدیت با سلطنت مشروطه و اتهامات سیاسی دیگر تا تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۱۶ به حکم قطعی محکوم شده‌اند، کان لم یکن و ملغی الأثر می‌گردد و کلیه آثار تبعی محکومیت‌های مزبور موقوف الأجر خواهد بود.» (مجموعه قوانین سال ۱۳۵۸، نشریه روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱).

۲- حرم، عبدالوهاب، الاجرام السیاسی، ص ۱۹۶ و ۱۹۷.

کمتر است، انتخاب کرده‌اند؛ مثل تعبیر «جرایم علیه شخصیت دولت»، اما این نام‌گذاری نیز مشکل ما را حل نمی‌کند. زیرا این مسأله در واقع بازی با کلمات، و جایگزین کردن الفاظی به جای الفاظ دیگر می‌باشد. چه این که این تغییرات و جایگزین کردن‌ها مشکل اساسی ما که همان ارائه تعریفی دقیق می‌باشد را حل نمی‌کند.^۱ ارائه تعریفی جامع از این نوع جرایم نتایج عملی مهمی را به دنبال خواهد داشت؛ مثل نفی مجازات اعدام نسبت به آنها، برخورداری از نظام خاص زندان که منطبق با مجرمین سیاسی باشد، و تمام امتیازاتی که برای یک مجرم سیاسی در نظر گرفته شده است.

یکی دیگر از مزیت‌هایی که در جوامع انسانی نسبت به مجرمین سیاسی مطرح است، این است که افکار عمومی مرتکبین آن را تا حدودی از اغماض و ارفاق نسبت به آنها، بهره‌مند می‌سازد. زیرا دارای انگیزه شرافتمندانه بوده، و در راه اصلاح جامعه و نظام سیاسی قدم برمی‌دارند.

یکی از نکات قابل توجه این است که آنچه گفته شده که مجرم سیاسی از انگیزه و هدف شرافتمندانه برخوردار بوده و ممکن است در آینده یکی از قهرمانان ملی جامعه خودش منظور گردد، چرا عمل وی جرم بوده و دولت‌ها او را مجازات می‌کنند؟

در پاسخ به این سؤال، که شاید ابتدایی و واضح باشد باید گفت:

اولاً نمی‌توان خطرناک بودن مجرم سیاسی را انکار کرد؛ چرا که اعمال ارتكابی این دسته از افراد، تا حدی نظم عمومی را مختل می‌کند، و به دنبال آن جرایم علیه اموال و اشخاص رو به افزایش می‌گذارد.

ثانیاً به عقیده یکی از حقوق‌دانان قبول داعی و انگیزه بی‌غرضانه برای مجرمین سیاسی در غالب موارد مشکل می‌باشد؛ برای آنکه عده‌ای هستند که از روی حس انتقام و جاه‌طلبی و ... خود را اصلاح طلب و کسی که به دنبال سعادت جامعه است، معرفی می‌کنند.^۲

یکی دیگر از مشکلات آن است که قانونگذار بعد از انقلاب اسلامی با تصویب قوانین جزایی بر اساس موازین اسلامی مرزی میان محاربه و افساد فی الارض و بغی (جرم سیاسی) قرار نداده است. مواردی از جرایم مذکور در قانون مجازات اسلامی از نظر

۱- همان.

۲- علی‌آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، انتشارات فردوسی، چاپ سوم، ۱۳۷۳ ش، ج ۱، ص ۹۸.

مفهوم و محتوی، جرم سیاسی هستند، ولی قانونگذار آنها را در حکم محارب قرار داده است و یا عنوان محارب به اطلاق کرده است؛ ولی واضح و بدیهی است که تفاوت میان جرایم مذکور بسیار است.

حال برای آن که بتوانیم قلمرو و حدود و ثغور جرم سیاسی را بشناسیم مباحث را در دو گفتار به شرح زیر خلاصه می‌کنیم:

گفتار اول: جایگاه و تعریف جرم سیاسی.

گفتار دوم: اقسام و استثنائات جرم سیاسی.

گفتار اول: جایگاه و تعریف جرم سیاسی

الف - جایگاه جرم سیاسی در طبقه بندی جرایم

در حقوق جزای عمومی جرایم را از حیثیتهای مختلف تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی می‌نمایند. جایگاه جرم سیاسی در میان طبقه‌بندی جرایم از سوی حقوقدانان دارای شیوه واحد نمی‌باشد. بعضی از حقوقدانان و قوانین کشورها وقتی جرایم را تقسیم‌بندی کرده‌اند، جرم سیاسی را در زمره طبقه‌بندی جرایم از حیث طبیعت و ماهیت جرم، دسته‌بندی کرده‌اند.^۱ ماده ۲۰ قانون مجازات عراق مقرر می‌دارد: «تقسیم الجرائم من حیث طبیعتها الی عادی و سیاسیه».^۲

بعضی دیگر جرم سیاسی را در ذیل بحث عنصر روانی مطرح کرده و گفته‌اند بر حسب عنصر روانی جرایم به دو دسته عمومی و سیاسی تقسیم می‌شوند؛ به عبارت دیگر جرم سیاسی یکی از اقسام جرایم بر اساس عنصر اخلاقی است.^۳

۱- استفانی، کاستون و دیگران، حقوق جزای عمومی، ترجمه حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش، ج ۱، ص ۲۷۹؛ الخلف، علی حسن، المبادئ العامة فی قانون العقوبات، بی‌نا، بی‌جا، ۱۹۸۲ م، ص ۲۹۸؛ محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۲۹۷؛ عوده، عبدالقادر، التشريع الجنایی، ج ۱، ص ۱۰۰؛ فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، ص ۲۲۸.

۲- قانون العقوبات و تعدیلاته (عراق)، تدوین صباح صادق جعفر، مکتبه النهضة، چاپ پنجم، ۱۹۹۷ م، ص ۱۱.

۳- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۳۸۹؛ ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای عمومی، دفتر نشر راه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۴ ش، ج ۲، صص ۳۲۵ و ۳۲۶؛ نجیب حسنی، محمود، شرح قانون العقوبات اللبانی (القسم العام)، دار النهضة العربیة، بیروت، بی‌جا، ۱۴۰۴ ق (۱۹۸۴ م)، ص ۴۵۸؛ مدنی، جلال‌الدین، حقوق اساسی در ایران، ج ۶، ص ۳۲۸؛ علی‌آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، ج ۱، ص ۹۷.

قانون مجازات سوریه نیز تعریف و مواد مربوط به جرم سیاسی را در ذیل عنوان عنصر روانی جرم آورده است.^۱

عده‌ای دیگر نیز جرم سیاسی را در تقسیم‌بندی جرایم از حیث موضوع آنها، طبقه‌بندی کرده‌اند. یکی از حقوقدانان می‌گوید می‌توان از حیث موضوع، جرایم را به جرایم علیه اشخاص یا اموال، یا مؤسسات، یا حاکمیت دولت و... تقسیم نمود.^۲

بعضی دیگر از حقوقدانان نیز جرم سیاسی را از حیث عنصر قانونی طبقه‌بندی کرده و می‌گویند یکی از تقسیم‌بندیهای جرم از حیث عنصر قانونی، تقسیم جرایم به عمومی و سیاسی و نظامی است.^۳

ب - تعریف جرم سیاسی

همان گونه که گفتیم ارائه یک تعریف دقیق از هر موضوعی خصوصاً جرم سیاسی بسیار مشکل است. تعبیر «جرم سیاسی» از دو کلمه «جرم» و «سیاسی» و یک اضافه بین دو کلمه، تشکیل شده است. هر چند تعریف جرم و سیاست تا حدودی روشن است، ولی بخاطر آن که در تعریف سیاست تشتت آراء و اختلاف نظر بسیار است، اضافه «جرم» به «سیاسی» مطلب را مشکل می‌نماید. علاوه این که جرم سیاسی، مانند سایر جرایم وجود عینی ثابت و مشخص ندارد، تا بتوان با توصیف عناصر تشکیل دهنده و سایر خصوصیات، آن را تعریف نمود. مفهوم جرم سیاسی بطور رسمی در سال ۱۸۳۰ وارد قانون کشور فرانسه شد و از جرایم عادی جدا گردید،^۴ ولی تعریفی از آن ارائه نگردیده و بعدها، فقط به مصادیق آن اشاره شد. در قوانین ایران نیز تنها اسمی از جرایم سیاسی و امتیازات آن برده شده، ولی تعریف خاصی از آن نشده است. لذا حقوقدانان ایرانی نیز با الهام از نوشته‌ها و متون خارجی بطور اجمال به این موضوع پرداخته‌اند. در سطح بین المللی نیز از مدتها قبل توجه جدی به جرم سیاسی بوده و در کنفرانسهایی از سوی مجامع

۱- قانون العقوبات (سوریه)، تدوین ممدوح عطری، ۱۹۹۸ م، ص ۷۴ و ۷۵.

۲- العوجی، مصطفی، القانون الجنائی العام (النظرية العامة للجريمة)، مؤسسه نوفل، چاپ دوم، بیروت، ۱۹۸۸ م، ج ۱، ص ۲۲۱؛ جندی عبدالملک، الموسوعة الجنائیه، دار العلم للجمع، بیروت، چاپ دوم، بی تا، ج ۳، ص ۴۷.

۳- افراسیابی، محمد اسماعیل، حقوق جزای عمومی، انتشارات فردوسی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۶ ش، ج ۱، ص ۳۴۰.

۴- ماده ۷ قانون جزای ۱۸۳۰ فرانسه.

بین‌المللی برای تعیین حدود و ثغور و تعریف جرم سیاسی تشکیل شده است.^۱ حال با این مقدمه کوتاه به تعاریف ارائه شده از سوی قوانین بعضی از کشورها، دکترین، کنفرانسهای بین‌المللی و پیش‌نویسهای پیشنهادی لایحه مربوط به جرم سیاسی در ایران پرداخته و سپس تعریف پیشنهادی را ارائه می‌دهیم.

۱- تعریف جرم سیاسی در حقوق خارجی:

در تعیین و تعریف جرم سیاسی قانونگذاران بعضی از کشورها گاهی جرم سیاسی را به وسیله تعریف قانونی مستقیماً مشخص می‌کنند؛ گاهی نیز قسمتی از جرایم را تحت عنوان جرم سیاسی ذکر می‌کنند؛ و گاهی بطور غیر مستقیم، بدون تعریف کردن، یا مشخص کردن مصادیق جرم سیاسی، وضع مجرمان سیاسی را از نظر مجازات و طرز دادرسی تعیین می‌کنند.

قانون کشورهایمانند انگلستان و اسپانیا نیز اساساً جرم سیاسی را مورد توجه قرار نداده و در سیستم حقوقی خود اشاره‌ای به آن نکرده‌اند، بلکه شرایط خاصی را برای مجرمان سیاسی باز شناخته‌اند تا اگر صلاح دانستند آن شرایط را بر جرمهایی بار کنند.^۲ هر چند به عقیده یکی از نویسندگان برای یافتن تعریف جرم سیاسی در انگلستان باید در رویه‌های قضایی و تفسیرهای حقوقی جستجو کرد.^۳

قانون فرانسه هر چند مبادرت به تعریف جرم سیاسی نکرده است و فقط به احصای این دسته از جرایم پرداخته است، ولی با این وجود در مقدمه قانون ۱۹۲۷ م راجع به استرداد مجرمین در تعریف مجرم سیاسی چنین می‌گوید: «مجرم سیاسی کسی است که شور و حرارت ناشی از عقیده سیاسی به اندازه‌ای او را به جلو رانده است که مرتکب خلاف قانون شده است.»^۴

بعضی از قوانینی که جرم سیاسی را بطور کامل تعریف نموده‌اند به شرح زیر است:

۱/۱- ماده ۳ قانون ۱۹۲۹ آلمان: در مورد استرداد مجرمین: «بزه سیاسی هر عمل قابل

۱- کنفرانس ۱۹۲۷ در ورشو؛ کنفرانس ۱۹۳۰ م در بروکسل؛ کنفرانس ۱۹۳۱ م در پاریس، کنفرانس ۱۹۳۲ م در مادرید؛ کنفرانس ژانویه ۱۹۳۵ م پاریس و کنفرانس ۲۱ اوت ۱۹۳۵ م کپنهاگ. (زراعت، عباس، جرم سیاسی، ص ۱۷).

۲- اصغری، محمد، بررسی تطبیقی جرم سیاسی، ص ۲۳.

۳- مدنی، جلال‌الدین، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، ج ۶، ص ۳۲۲.

۴- استقانی، کاستون و دیگران، همان، ص ۲۸۰.

کیفری است که بر ضد اساس کشور، یا امنیت آن، یا بر ضد رئیس کشور، یا بر ضد یکی از اعضای دولت از آن جهت که عضو حکومت است، یا بر ضد مجلس مؤسس، یا بر ضد حقوق سیاسی انتخاب کننده یا انتخاب شونده، یا بر خلاف روابط حسنه با بیگانگان ارتکاب شود.^۱

۱/۲ - ماده ۸ قانون مجازات ایتالیا: «از نظر اجرای قوانین جزایی، جرمی که علیه مصلحت سیاسی کشوری باشد، یا علیه یکی از حقوق سیاسی شهروندان انجام شود، جرم سیاسی است؛ همچنین جرایم غیر سیاسی که همه یا بعضی از انگیزه‌های ارتکاب آن سیاسی باشد، جرم سیاسی است.»^۲

۱/۳ - قانون مجازات لیبی: «بر اساس قانون جزایی هر جرمی که علیه مصلحت سیاسی دولت یا حق سیاسی یکی از افراد باشد، همچنین هر جرم عادی که انگیزه اساسی برای ارتکاب آن سیاسی باشد، جرم سیاسی محسوب می‌شود.»^۳

۱/۴ - قانون مجازات عراق: «جرم سیاسی عبارت از جرمی است که با انگیزه سیاسی یا علیه حقوق سیاسی فردی یا عمومی افراد جامعه ارتکاب یابد.»^۴

۱/۵ - قانون مجازات سوریه: «۱- جرایم سیاسی عبارت از جرایمی است که فاعل آن با انگیزه سیاسی مرتکب آن گردد. ۲- همچنین جرایم علیه حقوق سیاسی فردی و عمومی نیز جرم سیاسی است؛ مادامی که فاعل آن به خاطر انگیزه شخصی و پست، مرتکب آن جرم نشده باشد.»^۵

۱/۶ - قانون مجازات لبنان: نیز عیناً تعریف جرم سیاسی در قانون مجازات سوریه را

۱ - حومد، عبدالوهاب، الاجرام السياسية، ص ۱۹۷.

۲ - همان، ص ۱۹۸.

۳ - «تعد جريمة سياسية في حكم قانون الجنائي كل جريمة تمس بمصلحة سياسية للدولة، او بحق سياسي لأحد الافراد، كما تعد جريمة سياسية الجريمة العادية التي يكون الدافع الأساسي لأرتكابها سبباً سياسياً.» (ر.ک: الشرفی، علی حسن عبدالله، الباعث و اثره في المسؤولية الجنائية، ص ۳۲۴ و ۳۲۵).

۴ - ماده ۲۱: «الجريمة السياسية هي الجريمة التي ترتكب بباعث سياسي أو تقع على الحقوق السياسية العامة أو الفردية و فيما عدا ذلك تعتبر الجريمة عادية...» (ر.ک: قانون العقوبات و تعديلاته (عراق)، تدوين صباح صادق جعفر، ص ۱۱).

۵ - ماده ۱۹۵: «۱- جرایم السياسية هي الجرائم المقصودة التي اقدم عليها الفاعل بدافع سياسي. ۲- وهي كذلك الجرائم الواقعة على الحقوق السياسية العامة و الفردية ما لم يكن الفاعل قد انقاد لدافع أناني دني» (ر.ک: قانون العقوبات (سوریه) تدوين ممدوح عطري، ص ۷۵).

بیان کرده است.^۱

۲- تعریف جرم سیاسی از دیدگاه دکترین:

حقوقدانان نیز جرم سیاسی را تعریف کرده‌اند که به اهم آنها اشاره می‌شود:

۲/۱- ترمینولوژی حقوق، جرم سیاسی را «جرم ناشی از فکر سیاسی و یا از یک مؤسسه یا دستگاه سیاسی» می‌داند و در ادامه در تعریف جرم سیاسی به معنای خاص می‌گوید: «در معنی اخص جرمی است که مخالف نظام سیاسی داخلی و یا خارجی کشور باشد؛ مانند توطئه برای تغییر شکل حکومت.»^۲

۲/۲- «جرم سیاسی عمل مستحق کیفری است که با انگیزه و هدف سیاسی، مستقیماً تشکیلات سیاسی مملکت و اساس حکومت و حقوق سیاسی افراد را مورد حمله و تعرض قرار می‌دهد.»^۳

۲/۳- «بطور کلی جرم سیاسی به عمل مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که هدف آن واژگون کردن نظام سیاسی- اجتماعی و برهم زدن نظم و امنیت کشور باشد.»^۴

۲/۴- «جرم سیاسی به عمل مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که در آن انگیزه سرنگونی نظام سیاسی و اجتماعی و اختلال در مدیریت سیاسی و صدمه به زمامداری کشور بوده و یا هر عمل مجرمانه‌ای که نتیجه آن سرنگونی نظام سیاسی و اجتماعی و صدمه به مقامات سیاسی و رئیس کشور باشد؛ این جرم ممکن است به تنهایی و یا همراه با سایر جرایم عمومی، اجتماعی و امنیتی اتفاق افتد.»^۵

۲/۵- «جرایم سیاسی دارای عنوان سیاسی هستند که بر ضد مصالح سیاسی کشور و یا بر ضد حقوق سیاسی یکی از اهالی ارتکاب شده باشد. علاوه بر این، جرایم عمومی که مقدمه ناگزیر جرایم سیاسی باشند و اعمال مادی آنها بطور عمده جرم سیاسی را تشکیل

۱- ماده ۱۹۶ قانون مجازات لبنان نیز عبارت قانون سوریه را آورده است. (ر.ک: زاکی صافی، طه، المبادی الاساسية لقانون العقوبات اللبناني، مؤسسة الحديثة للكتاب، بیروت، چاپ اول، ۱۹۹۲ م، صص ۷۷-۷۳).

۲- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۱۹۲.

۳- محسنی، مرتضی، همان، ص ۳۲۲.

۴- صانعی، پرویز، همان، ص ۲۸۹؛ گرجی، ابوالقاسم، مقالات حقوقی، انتشارات وزارت ارشاد، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۵ ش، ج ۱، ص ۳۲۲.

۵- هاشمی، محمد، حقوقی اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، ص ۶۲۵.

می‌دهند، جرم سیاسی محسوب است.»^۱

۲/۶- در متون خارجی نیز جرم سیاسی بدین شرح تعریف شده است:

«The classical political offense is that of attempting to abtian or to damage a position of Political Power by actions in compatiable with the rules of the existing political system.»^۲

جرم سیاسی سنتی عبارت است از تلاش برای سرپیچی یا لطمه زدن به یک موقعیت قدرت سیاسی بوسیله اعمال مخالف و ناسازگار با قواعد سیستم سیاسی موجود.

۲/۷- همچنین در تعریف جرم سیاسی گفته شده است:

«Political crime: in general any crime directly against the government. e.g. treason; sedition. It includes any violent political disturbance without refrence to specific crime.»^۳

یعنی جرم سیاسی عموماً به هر جرمی که مستقیماً علیه حکومت انجام شود، مثل خیانت به مملکت و آشوبهای سیاسی، گفته می‌شود. این نوع جرم هرگونه تشنج و ناآرامی سیاسی خشونت‌آمیز بدون ارجاع به یک جرم خاص را شامل می‌شود. در ادامه در ذیل اصطلاح «Political offenses» می‌گوید: جرایم سیاسی همان جرایم مربوط به حمله به امور نظام سیاسی در یک کشور و همچنین جرایمی که به منظور کسب اهداف سیاسی صورت می‌گیرد، می‌باشد. همچنین تأکید می‌کند که تعیین ماهیت این نوع جرایم بیشتر مربوط به شرایط وقوع آنها می‌باشد.

۲/۸- «جرم سیاسی عبارت از هر عملی است که به خاطر یک هدف یا انگیزه سیاسی، انجام گیرد؛ این عمل ممکن است دارای انگیزه سیاسی باشد ولی به صورت مجرمانه انجام گیرد.»^۴

۲- «لیت» می‌گوید: «جرم سیاسی عمل قابل مجازاتی است که بر ضد حقوق سیاسی

۱- دادگری، رسول، بزه سیاسی، پایان‌نامه لیسانس، دانشگاه تهران، ۱۳۳۰ ش، ص ۲۰.

2 - Davip L. sills Editor, international encyclopedia of the social sciences, the macmillan company and the free press, new york, wollume 12, P. 246.

3 - Black's Law Dictionary, Black M.A. Henry compbell, sixth edition, 1990, P. 1158.

4 - Rober L. Bledsoe and Boleslaw A. Boczek, the international Law Dictionary; ABC-Clio, Inc, USA, (number 142), P. 113.

کشور یا حقوق سیاسی افراد صورت گیرد»^۱

۲/۱۰- «پروفسور بلانش» معتقد است «جرایمی را باید سیاسی شناخت که انگیزه و هدف آنها سیاسی باشد»^۲

۲/۱۱- «تربوتین» می‌گوید: «جرمی که بدون زیان رساندن به منافع خصوصی افراد و بدون داشتن عنوانی از جرایم اختصاصی، متعرض تشکیلات عمومی کشور به منظور تغییر دادن یا مختل کردن آن تشکیلات شود»^۳

۲/۱۲- «پرفسور گارو» می‌گوید: «جرم سیاسی جرمی است که موضوع منحصر آن تخریب یا تغییر یا تزلزل یک یا چند عنصر از عناصر نظام سیاسی باشد»^۴

با ملاحظه تعاریف ارائه شده از سوی دکترین به این نتیجه می‌رسیم که بعضی از آنها تنها به نفس عمل ارتكابی توجه کرده‌اند؛ به عبارت دیگر جرمی را سیاسی می‌دانند که (برای مثال) به نظام سیاسی کشور لطمه وارد کند، چه انگیزه سیاسی باشد یا این که انگیزه سیاسی در بین نباشد. اما بعضی دیگر از تعاریف صرفاً به مواردی اشاره کرده‌اند که در صورتی جرم، سیاسی خواهد بود که با هدف و انگیزه سیاسی ارتكاب یابد؛ در حالی که تعدادی از جرایم دارای ماهیت سیاسی وجود دارد که این نوع تعریفها، آنها را شامل نمی‌شود. نکته دیگر این که در تعاریف یاد شده هیچ کدام به فردی یا گروهی بودن، جرم سیاسی اشاره نکرده‌اند. البته عده‌ای از حقوقدانان نیز معتقدند تعریف جرم سیاسی یکی از دشوارترین کارهای حقوق استرداد است و «اوپنهام» که یکی از حقوقدانان معروف است می‌گوید اصلاً تعریف آن غیر ممکن است.^۵

۳- تعریف جرم سیاسی از دیدگاه مجامع بین‌المللی

در بعضی از مجامع بین‌المللی که در ابتدای گفتار بدانها اشاره شد جرم سیاسی را مطرح و بعضی از آنها جرم سیاسی را تعریف کرده‌اند:

۲/۱- کنفرانس بین‌المللی وحدت حقوق جزا سال ۱۹۲۵ م در کپنهاگ:

۱- اصغری، محمد، همان، ص ۳۴.

۲ و ۳- مدنی، جلال‌الدین، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، ج ۶، ص ۳۳۲ و ۳۳۳.

۴- گارو، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، ج ۲، ص ۲۲۵.

۵- لواسور، ژرژ، مسأله جرم سیاسی در حقوق استرداد مجرمان، ترجمه مصطفی رحیمی، مجله کانن و کلا، ش ۱۵۲-۱۵۳ (پائیز و زمستان ۱۳۶۹)، صص ۲۵۰ و ۲۵۱.

«جرایمی که علیه تشکیلات و انجام وظیفه تشکیلات و انجام وظیفه کشور انجام می‌گیرد و همچنین جرایمی که علیه تشکیلات و طرز اداره حکومت و همچنین حقوق ناشی از آن برای افراد ارتکاب شود»^۱

البته یکی دیگر از نویسندگان تعریف کنفرانس کپنهاگ را به نحو دیگری نقل می‌کند: «جرم سیاسی عبارت از جرمی است که علیه تشکیلات و طرز اداره حکومت و همچنین علیه حقوق ناشی از آن برای افراد ارتکاب شود»^۲

لازم به ذکر است که در قطعنامه مصوب کپنهاگ تصریح شده است که: «جرایمی که مرتکب آن هدف خود خواهانه و حقارت‌آمیز داشته باشد، سیاسی تلقی نمی‌شود»^۳

۳/۲- مؤسسه حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۸۲ م در ژنو تصمیم زیر را اتخاذ کرد: «جرایمی که بر ضد مبانی هر گونه تشکیلات اجتماعی ارتکاب یابد و هدف آن یک کشور معین و یا شکل خاص حکومت نباشد، جرم سیاسی به شمار نمی‌آید»^۴ مفهوم مخالف آن این است که چنانچه هدف مجرم، کشور معین یا شکل خاصی از حکومت باشد، جرم مورد نظر، سیاسی خواهد بود.

۴- تعریف جرم سیاسی در پیش‌نویسهای پیشنهادی لایحه جرم سیاسی در ایران در سالهای اخیر اقدامات جدی از سوی مراجع ذی صلاح نسبت به تدوین قانونی جامع در مورد جرم سیاسی و نحوه رسیدگی به آن در محاکم دادگستری، صورت گرفته است. هر کدام از تعاریف ارائه شده را نقل و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم:

۴/۱- «جرم سیاسی عبارت است از افعال و اقدامات گروههای سیاسی قانونی که بدون اعمال خشونت و درگیری، به منظور مقابله با سیاستهای داخلی و خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران انجام می‌گیرد»^۵

تعریف فوق از چهار رکن اساسی تشکیل گردیده است. آن چهار رکن عبارتند از:
الف - افعال: جرم سیاسی از افعال انجام گرفته توسط گروههای سیاسی تشکیل

۱- معتمد، محمد علی، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۳۱۲.

۲ و ۴- هاشمی، محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، ص ۵۵۰.

۳- ستوده، نسرین، تعریف نامشخص جرم سیاسی، روزنامه جامعه، ص ۵۲، مورخ ۱۳۷۷/۳/۸، ص ۱۱.

۵- ماده ۱ پیش‌نویس پیشنهادی «لایحه قانونی جرایم سیاسی و نحوه رسیدگی به آن»، تهیه شده توسط معاونت حقوقی و امور مجلس وزارت دادگستری.

می‌شود.

ب- گروه‌های سیاسی قانونی: جرم زمانی وصف سیاسی خواهد داشت که: اولاً توسط یک گروه سیاسی انجام گیرد؛ و ثانیاً گروه مورد نظر از لحاظ قانونی اجازه فعالیت داشته باشد.

ج- بدون اعمال خشونت: اگر عمل وی با خشونت و درگیری انجام شود از زمره جرایم سیاسی خارج خواهد شد.

د- انگیزه مقابله با سیاست‌های داخلی و خارجی دولت: اگر انگیزه مزبور در نزد مجرم نباشد، جرم مورد نظر محقق نخواهد شد.

ضمن این که پیش نویس مذکور در ماده ۲ مصادیق را برای جرم سیاسی بر شمرده است که اگر با تعریف ارائه شده در ماده ۱ تطبیق کند، از مصادیق جرم سیاسی خواهد بود.^۱ یکی از موارد قابل توجه در تعریف فوق این است که جرم سیاسی را منحصرأ از ناحیه گروه‌های سیاسی قانونی قابل تحقق می‌داند و جرایم فردی و همچنین گروه‌های سیاسی غیر قانونی را سیاسی نمی‌داند. یکی از مشکلات گروهی بودن آن است که آیین دادرسی آن چگونه خواهد بود. چون ابتدا باید ثابت کنیم که آیا مسؤول یک حزب، مسؤول افعال اعضای خود است؟ حال اگر از این اشکال نیز چشم پوشی کنیم، آیا در زمانی که هیچ

۱- ماده ۲ پیش نویس: «مصادیق جرم سیاسی عبارت است از:

الف- ارتکاب افعالی که به نقض استقلال کشور منجر شود.

ب- هر نوع ارتباط، مبادله اطلاعات، انجام مصاحبه، تبانی و مواضعه با سفارتخانه‌ها، نمایندگی‌های ارگانهای دولتی و احزاب و رسانه‌های جمعی کشورهای خارجی در هر سطح و به هر صورت که به آزادی، استقلال، وحدت ملی و مصالح جمهوری اسلامی ایران مضر باشد مشروط به این که از مصادیق جاسوسی شناخته نشود.

ج- دریافت هر گونه کمک مالی و تدارکاتی از بیگانگان.

د- تلاش برای ایجاد یا تشدید اختلاف بین مردم با استفاده از زمینه‌های متنوع دینی، مذهبی، فرهنگی و نژادی موجود در ایران.

ه- شرکت در احزاب، مجامع و اجلاسهای سیاسی خارج از کشور بدون اخذ مجوز از مراجع ذی صلاح و- افشا و انتشار اطلاعات، اسناد و تصمیمات طبقه‌بندی شده مربوط به سیاست‌های داخلی و خارجی کشور در صورتی که از مصادیق جاسوسی شناخته نشود.

ز- نشر اکاذیب، شایعه پراکنی، انتشار اعلامیه، بیانیه و خبرنامه که مفاد آن موجب تضعیف نظام باشد.

ح- تحریص و تشویق افراد و گروهها به ارتکاب اعمالی علیه حیثیت و منافع نظام جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج از کشور.

ط- هتک حیثیت مقامهای سیاسی خارجی در قلمرو ایران با انگیزه صدمه به نظام جمهوری اسلامی ایران به شرط معامله متقابل.

گروه و حزب رسمی و قانونی نباشد، جرم سیاسی هم وجود نخواهد داشت؟ پاسخ آن قطعاً منفی است چرا که جرم سیاسی همیشه قابل تحقق بوده، و هست.

به نظر می‌رسد با توجه به ماده ۱ (تعریف جرم سیاسی) و ماده ۲ (مصادیق جرم سیاسی) از طرفی مثل قانونگذار فرانسه مصادیق جرم سیاسی را بیان کرده و از طرفی تعریف جرم سیاسی را نیز مثل کشورهای دیگر ارائه کرده است. ضمن این که با توجه به مواد مذکور نمی‌خواهیم جرم انگاری کنیم، بلکه می‌خواهیم بعضی از مواردی که در قانون جرم است را با پوشش جرم سیاسی مورد ملاحظه و رسیدگی قرار دهیم.

۴/۲- تعریف دوم: «فعل یا ترک فعلی که مطابق قوانین موضوعه قابل مجازات است هرگاه با انگیزه سیاسی علیه نظام سیاسی مستقر و حاکمیت دولت و مدیریت سیاسی کشور و مصالح نظام جمهوری اسلامی و یا حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان و آزادیهای قانونی آنان ارتکاب یابد، جرم سیاسی به شمار می‌آید، مشروط به آنکه مقصود از ارتکاب آن نفع شخصی نباشد.»^۱

این تعریف نیز دارای ارکانی به شرح زیر است:

الف- فعل

ب- ترک فعل

ج- قابل مجازات بودن آن فعل یا ترک فعل مطابق قوانین موضوعه

د- انگیزه سیاسی

ه- علیه نظام سیاسی مستقر، حاکمیت دولت، مدیریت سیاسی کشور... حقوق سیاسی شهروندان، حقوق فرهنگی شهروندان و آزادیهای قانونی آنها ارتکاب یابد. و- ارتکاب جرم برای منافع شخصی نباشد.

این پیش نویس نیز در ماده ۲ مصادیقی از جرم سیاسی را که منطبق با تعریف آن در ماده ۱ باشد، بر شمرده است. مصادیق ذکر شده در ماده ۲ عبارتند از: ماده ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۱۷، ۵۷۰، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۹۷ و ۶۹۸ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵. همچنین کلیه جرایم انتخاباتی (جرایم مندرج در قوانین انتخابات مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری و مجلس خبرگان)؛ جرایم مندرج در قانون فعالیت احزاب، جمعیتها و انجمنهای سیاسی و صنفی و

^۱ ماده ۱ پیش‌نویس پیشنهادی «لایحه قانونی تعریف جرم سیاسی و نحوه رسیدگی به آن در محاکم دادگستری» تهیه شده توسط کمیسیون حقوق بشر اسلامی.

انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته؛ و جمع‌آوری اطلاعات، اسناد طبقه‌بندی شده راجع به سیاست داخلی یا خارجی کشور با هدف برهم زدن امنیت کشور و یا افشاء و انتشار آنها و نیز قرار دادن اطلاعات مذکور در اختیار افرادی که صلاحیت دسترسی به آنها را ندارند، مشروط بر این که از مصادیق جرم جاسوسی نباشد.

پیش نویس فوق جرم سیاسی را فردی می‌داند و هم او را قابل تعقیب می‌داند، اعم از این که عضو حزب یا گروهی باشد، یا نباشد. به عبارت دیگر تعریف فوق شامل فعالیت‌های گروهی نیز می‌شود، ولی افراد آنها مورد محاکمه و مجازات قرار می‌گیرند، چون زمانی گروه مورد تعقیب قرار می‌گیرد که بخواهیم گروه را مجازات کنیم؛ مثلاً حزب را تعطیل کنیم.

لازم به ذکر است که در پیش‌نویسهای مذکور هم از ضابطه مختلط^۱ و هم از روش بر شمردن مصادیق جرم سیاسی استفاده کرده است.

حال با توجه به تعاریف ارائه شده در قوانین کشورهای، دکترین، مجامع بین‌المللی و تعریف پیش‌نویس‌های مذکور تعریف پیشنهادی که از مجموع آنها الهام گرفته شده و به نظر صحیح‌تر می‌باشد ارائه می‌گردد.

۵- تعریف پیشنهادی:

«فعل یا ترک فعل مجرمانه‌ای که با انگیزه خیر خواهانه و بدون در نظر گرفتن نفع شخصی و بدون اعمال خشونت و درگیری، علیه نظام سیاسی مستقر (مشروع) و حاکمیت دولت و مدیریت عالی کشور و مصالح نظام جمهوری اسلامی و یا حقوق و آزادیهای سیاسی و قانونی شهروندان ارتکاب یابد، جرم سیاسی نامیده می‌شود.»

ویژگیهای تعریف عبارتند از:

- ۱- با این تعریف قصد ایجاد جرایم جدید نداریم بلکه یک سری از جرایم پیش‌بینی شده در قوانین جاری کشور که دارای ماهیت سیاسی است، با این تعریف تحت پوشش جرم سیاسی و امتیازات مربوط به آن قرار می‌گیرند.
- ۲- برای تحقق جرایم سیاسی لزوماً نباید فعل باشد، بلکه از طریق ترک فعل نیز قابل

۱- در مواردی که هم وجود انگیزه سیاسی و هم موضوع سیاسی برای تحقق جرم سیاسی لازم باشد، به آن ضابطه مختلط گفته می‌شود.

تحقق است.

- ۳- جرایم مورد نظر باید علیه تشکیلات سیاسی کشور از قبیل حاکمیت دولت، نظام سیاسی مشروع، مصالح کشور و... و همچنین حقوق و آزادیهای سیاسی از قبیل حق انتخاب شدن و انتخاب کردن، آزادی بیان و اجتماعات و... ارتکاب یابد.
- ۴- جرم سیاسی لزوماً باید با انگیزه سیاسی و خیر خواهانه انجام گیرد و منافع شخصی و اهداف حقارت آمیز مثل انتقام، جاه طلبی و... در بین نباشد.
- ۵- همچنین بدون اعمال خشونت و درگیری انجام گیرد.

گفتار دوم: اقسام و استثنائات جرم سیاسی

الف - اقسام جرم سیاسی و تأملی در برخی از جرایم

۱- اقسام جرم سیاسی:^۱

در جرایمی که انگیزه‌های سیاسی یا صدمه رساندن به حکومت و حقوق سیاسی افراد مطرح است، می‌توان جرایم سیاسی را به دو دسته کلی تقسیم کرد:

۱/۱- جرایم سیاسی محض (بسیط).

۱/۲- جرایم سیاسی نسبی.

۱/۱- جرایم سیاسی محض (بسیط)

به آن دسته از جرایم اطلاق می‌شود که صرفاً بر ضد حکومت و نظام سیاسی با این وصف که تشکیلات سیاسی هستند ارتکاب می‌یابد که همان انگیزه سیاسی است و هسی چگونه هدف و انگیزه‌ای غیر از آن نیست. به عبارت دیگر جرایم سیاسی که حائز هر دو مفهوم عینی و شخصی باشند آن را جرایم سیاسی محض می‌گویند.

رویه قضایی کشورهای مختلف از جمله فرانسه جرم سیاسی محض را مورد توجه قرار داده و جرمی را سیاسی می‌داند که نظم مستقر در جامعه را به خطر بیندازد و بر ضد اساس حکومت یا حاکمیت دولت ارتکاب یابد و باعث اختلال در نظم موجود... که با قوانین اساسی تثبیت شده... می‌گردد.^۲

۱- الفاضل، محمد، المحاضرات فی الجرائم السياسية، ص ۱۸ و ۱۹.

۲- نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، انتشارات کانون وکلای دادگستری، تهران، چاپ دوم،

اصطلاح جرایم سیاسی نسبی به جرایمی اطلاق می‌شود که در اصل در زمره جرایم عادی و عمومی هستند، ولی به گونه‌ای با جرایم سیاسی ارتباط دارند که این ارتباط موجب تعدد مادی یا معنوی جرایم می‌گردد. به عبارت دیگر به جرایمی اطلاق می‌شود که ابتدا وصف سیاسی بودن آنها روشن نیست. این نوع جرایم به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱/۲/۱- جرایم مرکب با جرم سیاسی.

۱/۲/۲- جرایم مرتبط به جرم سیاسی.

۱/۲/۱- جرایم مرکب با جرم سیاسی

به آن دسته از جرایمی اطلاق می‌گردد که موضوع آن عادی است ولی با انگیزه سیاسی انجام می‌شود. به عبارت دیگر وقتی جرم مرکب است که در آن واحد هم به نظم سیاسی و هم به حقوق عمومی ضرر و صدمه وارد می‌کند.^۱ مثل سوء قصد به جان رئیس جمهور برای تغییر حکومت که از نظر عنصر مادی جرم مورد نظر از جرایم عمومی است و از لحاظ هدف و انگیزه، سیاسی است. رویه قضایی در کشور فرانسه جرایم مرکب را سیاسی نمی‌داند در بسیاری از قراردادهای استرداد بحث سوء قصد به جان افراد اشاره شده که متعاقبین، استرداد از این قبیل مجرمین را می‌پذیرند؛ این خود دلیل آن است که جرم مرکب کامل یک جرم سیاسی نیست؛ چون اگر دارای وصف سیاسی بود، استرداد آن پذیرفته نمی‌شد.

البته مؤسسه حقوق بین‌المللی در سال ۱۸۹۲ م این چنین مقرر کرد که: «جرایم مرکب و یا جرایم مرتبط به جرایم سیاسی، جرایم سیاسی به شمار می‌آید، مگر آنکه این جرایم مرکب و مرتبط از نظر اخلاقی و حقوق عمومی بسیار شدید باشد؛ مثل قتل، سم دادن و جرح شدید ارادی و با سبق تصمیم و شروع به جرایمی از این قبیل، نظیر تجاوز به املاک به وسیله ایجاد حریق و مواد منفجره و... و همچنین دزدیهای شدید مخصوصاً دزدی مسلحانه یا با آزار.»^۲ چه این که بعضی از حقوقدانان نیز معتقدند که در چنین جرایمی در

→ ۱۳۷۵ ش، ص ۲۵۱ (پاورقی).

۱- استانبولی، ادیب، شرح قانون العقوبات، نشر المرسلات، دمشق، چاپ دوم، ۱۹۹۰ م، ج ۱، ص ۳۰۰.

۲- حسینی نژاد، حسینی، حقوق کیفری بین‌الملل، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش، ص ۲۰۳.

اغلب سیستم‌های کیفری به نظریه عینی توجه می‌شود و به انگیزه و هدف مجرم توجهی نمی‌کنند، در نتیجه این گونه جرایم در زمره جرایم عمومی قرار می‌گیرند.^۱

۱/۲/۲- جرایم مرتبط (متصل) به جرم سیاسی

جرم مرتبط عبارت از جرمی است که به خاطر رابطه سببیت، به جرم سیاسی مربوط می‌باشد. «پروفیسور پوزا» در تعریف این نوع از جرایم می‌گوید: «به جرایم حقوق عمومی که به مناسبت حوادث سیاسی مرتکب شوند، و به وسیله رابطه علیت به یک جرم سیاسی مربوط باشند، جرم متصل (مرتبط) می‌گویند.»^۲ مثل غارت کردن یک مغازه اسلحه فروشی در جریان یک انقلاب یا شورش سیاسی، جرم سیاسی خواهد بود.

همچنین در قرارداد فرانسه و آلمان مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۵۱، جرم مرتبط این گونه تعریف شده است: «اعمال ارتکاب شده به منظور تدارک جرم سیاسی، یا برای اجرای آن، یا تضمین فایده آن، یا تدارک مصونیت از مجازات، یا انجام شده به منظور مقابله با تحقق جرم سیاسی، جرم مرتبط خواهند بود.»^۳

در این که این نوع جرم نیز ملحق به جرایم سیاسی است یا نه اختلاف نظر وجود دارد. در این رابطه قانون مجازات لبنان و سوریه^۴ به تبعیت از تصمیم مؤسسه حقوق بین‌الملل در سال ۱۸۹۲ م، که شرح آن گذشت، با دو شرط جرایم مرتبط و مرکب را ملحق به جرایم سیاسی می‌داند. شرط اول آن که جرایم مورد نظر در زمره جنایاتی که نسبت به اخلاق و حق عمومی خطر شدید دارند (مثل قتل، ضرب و جرح شدید، تجاوز به املاک با آتش زدن و...) نباشد. شرط دوم این که در حال جنگها یا شورشهای داخلی اتفاق بیفتد مشروط بر اینکه با قوانین و مقررات جنگ در تعارض نبوده و از اعمال وحشیانه و تخریب نیز به دور باشد.

چنانکه ملاحظه می‌گردد در این جا از ضابطه افکار عمومی و رعایت مقررات و عرف جنگی استفاده شده و از ضابطه عینی و ذهنی برای تشخیص سیاسی بودن جرم استفاده

۱- ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای عمومی، مرکز نشر راه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۴ ش، ج ۲، ص ۳۲۲.

۲- معتمد، محمدعلی، همان، ص ۳۱۶. ۳- لواسور، ژرژ، همان، ص ۲۵۲.

۴- ماده ۱۹۷ قانون مجازات لبنان (ر.ک: زاکی صافی، طه، همان منبع، ص ۷۶ و ۷۷)؛ ماده ۱۹۶ قانون مجازات سوریه (ر.ک: قانون العقوبات، تدوین معدوح عطری، ص ۷۴).

نشده است. قانون ایران نیز روش فوق را انتخاب نموده است.^۱

۲- تأملی در برخی از جرایم

۲/۱- تروریسم

از زمان قتل پادشاه یوگسلاوی و رئیس جمهوری فرانسه به نام «بارتو» در سال ۱۹۳۴، تروریسم مورد توجه قرار گرفت و دولتها همکاری خود را برای مبارزه با چنین جرایمی آغاز نمودند. در اصطلاح حقوق بین‌الملل تروریسم دارای یک مفهوم و معنای خاص حقوقی نیست، بلکه مواردی از قبیل جرایم دولت علیه دیپلماتها، علیه اشخاص مورد حمایت مثل شهروندان در زمان جنگ، علیه افراد در خدمت دولتها، علیه هواپیماها و کشتی‌ها و... را شامل می‌شود.^۲ عناصر تروریسم عبارتند از: ترور، خشونت که باعث ایجاد رعب و وحشت در بین مردم باشد و هدف سیاسی که مرتبط با قدرت است.^۳

تروریسم در قوانین اغلب کشورهای دنیا به عنوان یکی از جرایم عمومی تلقی شده‌اند و مقررات سختی درباره آنها به موقع اجرا گذشته می‌شود. در کنفرانس ۱۹۳۷ ژنو که دو کنوانسیون به تصویب رسید. کنوانسیون اول مربوط به جلوگیری و مجازات بین‌المللی تروریسم بود و کنوانسیون دوم تشکیل یک دادگاه بین‌المللی برای محاکمه و مجازات تروریسم پیش‌بینی کرد.^۴ البته در کنفرانس کپنهاگ در سال ۱۹۳۵ این مطلب به تصویب رسید که: «جرایمی که خطر عمومی، یا حالت ترس و وحشت ایجاد کند، جزء جرایم سیاسی محسوب نمی‌شود».^۵

۲/۲- جرایم اجتماعی (آناشیسیم)

از آن جا که در جرایم اجتماعی آثاری که از انگیزه مرتکبین آن بدست می‌آید، عمومی است و بر اساس این ادعا که برای منافع عموم مردم ارتکاب یافته، با جرایم سیاسی شباهت دارد. ولی ویژگی جرایم اجتماعی آن است که با ارتکاب آن تشکیلات اجتماعی از

۱- ماده ۸ قانون استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹.

2 - Roslyn Higgins and..., terrorism and international Law, London and new york, 1997, P. 27.

3 - Opcit, P. 218.

۴- افراسیابی، محمد اسماعیل، همان، ص ۳۴۶. ۵- الفاضل، محمد، همان، ص ۳۹ و ۴۰.

بین می‌رود. اغلب کشورها چنین جرایمی را در زمره جرایم عمومی قرار می‌دهند؛ و حتی مجازاتهای شدیدتری نسبت به این دسته از مجرمین اعمال می‌کنند. البته بعضی از کشورها جرایم سیاسی و اجتماعی را در یک طبقه‌بندی قرار می‌دهند، مثل قانون اساسی اسپانیا که از نظر استرداد کلیه مجرمین سیاسی و اجتماعی را در یک طبقه‌بندی قرار داده است.^۱

۲/۳- جرایم علیه امنیت خارجی کشور

اگر چه تعریفهای ارایه شده برای جرم سیاسی با جرایم علیه امنیت خارجی منطبق است؛ ولی از نظر انگیزه و هدف متفاوت بوده و شرافتمندانه و خیر خواهانه نیست. از نظر یکی از حقوقدانان منطق سلیم حکم می‌کند که در خصوص این نوع جرایم سخت‌گیری شود، برای این که درباره کسی که مرتکب جرم جاسوسی یا خیانت به کشور می‌شود، آن اعتقاد احترام به مجرمان سیاسی وجود ندارد.^۲ افکار عمومی نیز با دیده انزجار و نفرت به این دسته از مجرمین می‌نگرند. بعضیها استدلال کرده‌اند اگر جرایمی مانند جاسوسی در قدیم علیه حکومت و کشور تلقی می‌شد، ولی امروز چنین جرایمی تجاوز و تعدی بر افراد و کل جامعه به حساب می‌آید. چه این که ماده ۱۹۸ قانون مجازات لبنان، بعد از آن که مجازاتهای مجرمین سیاسی را برمی‌شمارد، مقرر می‌دارد: «لا تطبق هذه الاحكام على الجرائم الواقعة على أمن الدولة الخارجی».^۳

۲/۴- جرم محاربه و افساد فی الارض^۴

قانون مجازات اسلامی برای بعضی از جرایمی که دارای ماهیت سیاسی است (مثل جرایم علیه امنیت داخلی) عنوان محاربه اطلاق کرده و بعضی از آنها را در حکم محاربه می‌داند. ولی نباید این مطلب را از نظر دور داشت که هیچگونه شباهتی بین جرایم سیاسی و

۱- افراسیابی، محمد اسماعیل، همان، ص ۳۴۵. ۲- معتمد، محمد علی، همان، ص ۳۱۷.

۳- عالی، سمیر، الوجیز فی شرح الجرائم الواقعة علی امن الدولة، المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق (۱۹۹۹ م)، صص ۶۴ و ۶۵.

۴- ماده ۱۸۳ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰: «هر کس برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه بیرد محارب و مفسد فی الارض می‌باشد.»

جرم محاربه وجود ندارد. چرا که:

اولاً، از ارکان محاربه آن است که برای ایجاد رعب و وحشت و سلب امنیت و آزادی مردم جامعه ارتکاب می‌یابد.

ثانیاً، علیه مردم و نظم عمومی صورت می‌گیرد. در حالی که جرایم سیاسی علیه حکومتها و نظامهای سیاسی ارتکاب می‌یابد.

نکته سوم این که اگر ما عنوان «افساد فی الارض» را به عنوان تأکید «محاربه» فرض کنیم، هیچ شباهت و سازگاری با جرم سیاسی ندارد. چون جرم سیاسی با هدف اصلاح و خیر خواهانه ارتکاب می‌یابد.^۱

لازم به ذکر است که عده‌ای از فقهای اسلامی نیز زمانی که سخن از بغی را مطرح کرده‌اند، تأکید دارند بر این معنا که جرم بغی غیر از محاربه است و فرقهایی نیز برای آن دو جرم مطرح کرده‌اند. مهمترین آنها عبارتند از:^۲

۱- محارب از جهت فسق و عصیان و بدون هیچ مجوز شرعی قیام می‌کند ولی باغی این چنین نیست.

۲- جرم بغی علیه حکومت و بخاطر برکناری و... حاکم جامعه انجام می‌گیرد، در حالی که محاربه برای گرفتن راه بر مردم، ایجاد رعب و وحشت بین عموم جامعه و... می‌باشد. به عبارت دیگر انگیزه در جرم محاربه سرقت، راهزنی و امثال آنهاست ولی انگیزه در جرم بغی اصلاح و نجات جامعه است.

۳- برای محارب کیفرهای شدیدی در نظر گرفته شده است؛ در حالی که در جرم بغی فقط در صورتی که شروع به جنگ از ناحیه خروج کنندگان باشد با آنها جنگ می‌شود تا زمانی که تسلیم بشوند و یا دست از جنگ بکشند. همچنین در جرم بغی رفتارهای ارفاق‌آمیز بسیاری بر خلاف محاربه وجود دارد.

۴- اگر در بغی و در حال درگیری جرایم متناسب با جنگ و درگیری توسط باغیان

۱- حبیب زاده، محمد جعفر، بررسی جرم محاربه و افساد فی الارض، انتشارات مؤسسه کیهان، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش، صص ۱۸۰-۱۶۷.

۲- الزکابی، الجهاد فی الاسلام، دار الفکر المعاصر، دمشق و سوریه، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق (۱۹۹۷ م)، ص ۷۸؛ فتوی بهنسی، احمد، الموسوعة الجنائیه فی الفقه الاسلامی، ج ۱، ص ۲۵۷؛ کریمی، حسین، حدود الهی، انتشارات جهاد دانشگاهی صنعتی شریف، تهران، بی‌چاپ، ۱۳۶۱ ش، ج ۱، ص ۲۲۲ به بعد.

صورت گیرد، به عقیده بعضی از فقهای اسلامی نسبت به آنها میرا از مسؤلیت هستند؛ برای مثال اگر در حال جنگ کسی را به قتل برسانند، قصاص نخواهند شد. نتیجه این که قانونگذار باید عنوان محاربه را از بعضی از جرایم برداشته و مجازاتهای دیگری که خفیفتر است را پیش‌بینی نماید.

ب- استثنائات جرم سیاسی

همانطور که می‌دانیم مجرم سیاسی به لحاظ نفع شخصی مرتکب جرم نشده، و به نظر خود بر اساس نفع و مصلحت عمومی، عملی را مرتکب می‌شود که از لحاظ قانون جرم و قابل مجازات است. با این بیان بعضی از جرایم دارای خصوصیتها و ویژگیهایی هستند که با این هدف و انگیزه همسویی ندارند. لذا قوانین بعضی از کشورها تعدادی از جرایم را ولو این که با انگیزه سیاسی باشد و تعریف جرم سیاسی شامل آن بشود، از عداد جرایم سیاسی استثناء کرده‌اند. برای این که مصالحی که در اثر این نوع جرایم تهدید و مورد تعدی قرار می‌گیرد، دارای اهمیت بیشتری از آن اهدافی است که در جرم سیاسی دنبال می‌شود. مثل قتل، ضرب و جرح شدید، آتش زدن، نهب و غارت، و امثال این موارد که خطر زیادی برای انسانها و جوامع بشری دارد.

در قرار صادره توسط محکمه تجدید نظر فرانسه در سال ۱۹۳۲ تصریح گردیده است که قتل رئیس جمهور اگر چه با هدف و انگیزه سیاسی باشد، در عداد جرایم عادی است و سیاسی محسوب نمی‌شود. چون با صرف داشتن انگیزه سیاسی چنین جرمی را از طبیعت و ماهیت عادی بودن خود خارج نمی‌کند. قانونگذار فرانسه نیز در سال ۱۹۶۰ م، این رأی را تأیید کرد مبنی بر این که جرم علیه حیات رئیس دولت جزء جرایم سیاسی به حساب نمی‌آید.^۱

قوانین کشورهای لبنان و سوریه نیز جرایمی مانند قتل، ضرب و جرح شدید، جرایم علیه امنیت خارجی مثل جاسوسی و خیانت و... را از عداد جرایم سیاسی استثناء کرده‌اند.^۲ بند «الف» ماده ۲۱ قانون مجازات عراق مقرر می‌دارد: «جرایم زیر اگر چه با انگیزه سیاسی ارتکاب یافته باشند، جرم سیاسی نیستند:

۲- زاکی صافی، مله، همان، ص ۷۷-۷۵.

۱- العوجی، مصطفی، همان، ص ۲۳۳.

۳- قانون العقوبات و تعديلاته (عراق)، ص ۱۲.

۱- جرایمی که با انگیزه پست و شخصی ارتکاب یافته باشند.

۲- جرایم علیه امنیت خارجی کشور.

۳- جرایم قتل و شروع به آن.

۴- جرم علیه حیات رئیس جمهور.

۵- جرایم تروریستی.

۶- جرایم علیه شرف مثل سرقت، اختلاس، تزویر، خیانت در امانت، رشوه و...»

همچنین لایحه‌های پیشنهادی مربوط به مقررات جرایم سیاسی در ایران نیز تعدادی از جرایم را استثناء نموده‌اند. ماده ۳ پیش‌نویس تهیه شده توسط معاونت پارلمانی وزارت دادگستری مقرر می‌دارد:

«هیچ یک از جرایم مشروحه ذیل همچنین سایر جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور، مذکور در قوانین جزایی جرم سیاسی محسوب نمی‌گردد هر چند با انگیزه سیاسی و به قصد تدارک جرم سیاسی یا تضمین منافع آن و یا تسهیل وقوع آن تحقق یافته باشد: الف- سوء قصد به جان اشخاص، ایراد ضرب و جرح و قتل عمدی یا مباشرت یا معاونت و شروع به آن.

ب- آدم ربایی، گروگانگیری و بازداشت غیر قانونی اشخاص.

ج- بمب گذاری و تهدید به آن.

د- سرقت، آتش زدن، تخریب، خرابکاری و اتلاف عمدی اموال.

ه- غارت و تجاوز و تعدی به اموال عمومی.

و- تحریک مردم به درگیری و جنگ با یکدیگر.

ز- قاچاق، تهیه، خرید و فروش، نگهداری و حمل سلاح و مهمات.

ح- جاسوسی و افشاء اسرار سیاسی و نظامی کشور به نفع بیگانه.

همچنین لایحه پیشنهادی کمیسیون حقوق بشر اسلامی در مورد جرم سیاسی نیز شبیه ماده فوق مواردی را از عداد جرم سیاسی استثناء کرده‌اند.